

بسم الله الرحمن الرحيم
تغییر نصاب تعلیمی آل سعود، گامی بسوی اعلان عادی‌سازی روابط با رژیم یهود
(ترجمه)



علی‌الرغم این‌که نظام سعودی یکی از اعضای گروه پیش‌تاز در اعلان عادی‌سازی روابط با یهود نبود، تلاشی‌که از امارات آغاز، گذری در بحرین و سودان داشت و در المغرب پایان یافت، روشن است که به شکل سیستماتیک برای آن بسترسازی می‌کند، نمی‌خواهد که یکباره و بدون آماده‌سازی اوضاع و شرایط به آن اقدام کند؛ می‌خواهد بگونه مسالمت‌آمیز به این سمت گام بردارد، مخصوصاً پس از این‌که ولیعهد سعودی اقدامات و گام‌های سریع و گسترده‌ای، برای سکولرسازی این بخش از سرزمین اسلامی تحت حاکمیتی خویش، برداشت. واضح است که تغییرات وارده در نصاب تعلیمی سعودی بخشی از تغییرات و رویکردهای گسترده سعودی بوده و روزه‌ای برای پرورش روابط دائمی با رژیم یهود و پذیرفتن آن به عنوان رژیم طبیعی در منطقه، می‌باشد.

"دیلی تلگرام" در 17 دسامبر 2020م گزارشی را از فرستاده امور آسیای‌میانه "دوید روز" تحت این عنوان "پیشرفت چشم‌گیر در رویکردهای سعودی در حذف یهودستیزی و افراطگرایی اسلامی از نصاب تعلیمی" به نشر رساند. "روز" می‌گوید: کاوش جدید در ارتباط به نصاب تعلیمی سعودی، تأیید بر ملغی‌سازی بسیاری از بخش‌های این نصاب تعلیمی و تغییر بخش‌های دیگر آن دارد، که هدف از آن رهایی از "افکار یهودستیزی و افکار مؤید افراطگرایان مسلمان" می‌باشد؛ چیزی‌که این کاوش بیان‌گر آن است، یک تحول تاریخ قابل ملاحظه در رویکردهای سلطنت آل سعود است. "روز" اشاره بر این نمود که این کاوش افشاء ساخت، نصوصی‌که در کتاب‌های نصاب تعلیمی سابقه بود، از کتاب‌هایی‌که در نصاب تعلیمی جدید "ریاض" در بیشتر از 30 هزار مدرسه در داخل و خارج سعودی توزیع نموده است، حذف گردیده است. نصوصی مرتبط به ترویج نظریه توطئه بودن تسلط یهود بر عالم، نصوص مرتبط به دعوت به کشتن همجنس‌گرایان و مرتدین، طبق شریعت اسلامی، همان‌گونه نصوص مشوق و بیانگر وجوب آماده‌گی برای جهاد و اهمیت شهادت و نصوصی‌که از قتل عام یهود در آخر زمان توسط مسلمانان، در جنگی‌که سنگ‌ها و درختان به سخن درمی‌آیند، خبر می‌دهد، از نصاب تعلیمی جدید حذف گردیده اند. این تغییرات و دیگر گونی‌های که گزارشاتی مانند این صحبت از آن دارد، نتایج تحریک‌ها و تشویق‌های است که امریکا سعودی را برای عادی‌سازی روابطش بایهود می‌کند.

همان‌گونه که محتوا و مفهوم آموزش‌های تاریخی متعلق به "خلافت عثمانی" را تغییر داده اند، تاجای‌که در نصاب تعلیمی جدید سعودی اکنون از "خلافت عثمانی" به نام "دولت جنگ طلب" یاد می‌شود، وزارت آموزش/معارف سعودی این موارد

را جنایات عثمانی توصیف نموده است: "جنگ علیه دولت سعودی اول و دوم، حمایت از برخی رهبران محلی علیه سلطان عبدالعزیز، ویرانی شهر الدرعیه و شهرهای اطراف، و اداسازی و تحریک بسیاری از زهران و عسیر به شکنجه اما عبدالله بن سعود، آخرین امام دولت سعودی اول، کشتن و رد گم ساختن وی پس از انتقال به استانبول.

نصاب تعلیمی جدید سعودی جنگ "تربه" را مطرح ساخته می‌گوید: عثمانی‌ها در آن جنگ متحمل خسارات زیادی شدند، صدها تن از لشکریان آنان کشته شده و نیروهای باقی مانده آنان پس از شکست در برابر نیروهای قهرمان سعودی و جاگذاشتن سلاح‌ها، توپ‌ها و تجهیزات جنگی خویش، فرار نمودند؛ چیزی که با بسیاری از منابع تاریخی مرتبط به زمان پیدایش سلطنت سعودی، منافات دارد؛ چون آنچه را که تاریخ ثابت می‌سازد این است که عثمانی‌ها در آغاز سال 1918م یعنی قبل از زمان جنگ "تربه" امارات و شهرهای عربی را به هدف رویا روی با نیروهای همپیمان به رهبری بریتانیا و رویاروی با قبایل عصیانگر عربی، ترک کرده بودند، و جنگ "تربه" میان برادران طاع الله به رهبری سلطان بن بجاد و شریف خالد بن منصور بن لوی حاکم الخرمة و أبالعلا شیخ سلطان بن مشعان، علیه نیروهای شریف حسین بن علی حاکم مکه و مدینه منوره به رهبری پسرش عبدالله العسیس در وادی "تربه" واقع شهر قم، به وقوع پیوسته و جنگ به پیروزی برادران پایان یافت.

بدین ترتیب واضح شد که عثمانی‌ها در اساس از طرف‌های درگیر در این جنگ نبودند؛ چون نیروهای آنان پیش از پایان سال 1918م از تمام جزیره عربی خارج شده بودند، به استثنای مدینه منوره که فخرالدین پاشا بر باقی ماندن در آن تا فروپاشی کامل خلافت عثمانی اصرار نمود.

برحسب گزارش‌هایی که مجموعه از نخبگان سیاسی امریکایی تحت عنوان "جنبه‌های معنوی تروریسم اسلامی" به امنیت ملی امریکا تقدیم نموده اند، ملاحظه می‌گردد که ایجاد یک ساختار مستلزم همکاری دوجانبه در میان دولت‌های عربی و امریکا در ارتباط به تغییر نصاب تعلیمی و سیاسی و ارتباط به اعلان و پذیرش داشتن نقش مشترک دو طرف، یک امر ضروری و حتمی می‌باشد. تحقیقات بیانگر این است که ارائه‌ای تصویر منفی از امریکا و رژیم یهود خود به معنی بذل فعالیت‌های تروریستی می‌باشد. بنابراین تغییر برنامه آموزشی که تشویق به تنفر از یهود و مخصوصاً جهان غرب داشته و به اعمال تروریستی مانند مفهوم جهاد (حسب گمان این گزارش) مسلمانان را به هدف از بین بردن و ترور هر غیر مسلمانی، و ادار به خود کشی می‌کند، فرامی‌خواند، ضروری و حتمی می‌باشد.

بنابر این اقدام حکام آل سعود در حذف نصوصی که با یهود سرسبز داشته و اشغال فلسطین را جنایت می‌شمارد و حذف نصوص مخصوص کراهیت و حرمت تعاملات جنسی منافی فطرت، یک اعتراف آشکار از سوی آنان در کنار گذاشتن احکام اسلام می‌باشد، تا شاید بدین وسیله از تخت‌های شان پاسداری کرده و با داران‌شان را از خود راضی نگهدارند، این نیز با نصاب تعلیمی سعودی مرتبط به رویای ابن سلمان برای سعودی می‌باشد. ابن سلمان در سال 2017 تأکید داشت که بر آنچه "افکار افراط‌گرایانه" می‌خواند، حملاتی را راه‌اندازی خواهد کرد، وی اعلان داشت که کشورش این افکار را از بین برده و به زندگی طبیعی خویش باز خواهد گشت.

ابن سلمان در جریان نشست‌ها و گفتمان‌های حاشیوی اعلان چیزی که به نام "پروژه نیوم" معرفی شد، در قسمتی از اظهاراتش چنین گفت: «ما اسلام میان‌روی را که دروازه‌اش بر تمام فرهنگ‌ها باز باشد، نشان‌شان خواهیم داد. ما هرگز 30 سال درگیر را در تعامل با افکار افراط‌گرایانه... ضایع نخواهم کرد. ما بار دیگر در روزگار اسلام باز و میان‌رو باز خواهیم گشت.»

از همین جهت است که می‌بینیم تمرکز شیوخ و آخندهای نظام سعودی نیز بر فروع متعلق به عبادات می‌باشد، تا این که دین به یک رابطه خصوصی میان شخص و پرودگارش خلاصه شود، بدون هیچ گونه ارتباط به عملی که باعث بیداری امت، هویت و دفاع از آن شود. خطابه سدید در حرم را که هم‌زمان با عادی‌سازی روابط امارات با یهود ارائه داشت، فراموش ننمودیم: سدید در آن خطابه به حسن گفتگو و معامله با یهود فراخواند، با این استدلال که حسن تعامل با آنان باعث می‌شود

قلب‌های شان به دین اسلام تمایلی پیدا کند. متعاقب به اعلان عادی‌سازی روابط امارات با یهود که آن را یک اقدام متبارک می‌خواند، سعودی چنین اقدامی ننمود، اما در عوض خط هوایی خویش را برای عبور هواپیماهای یهود به منظور امارت باز گذاشت، اما هیچ یک از شیوخ و آخندهای سعودی لب تر ننمودند و از طرفی در دولت سعودی نیز هرکسی که علیه این منهج آموزشی جدید بتازد، سرنوشت آن نابودی در سیاه چال‌ها و گودهای زندان‌های می‌باشد، آن هم تا مدت زمانی که الله سبحانه و تعالی خود می‌داند.

نظام سعودی مزدور غرب، پس از این‌که دارائی‌های امت را در خود خلاصی از سرزنش‌های غرب هدر داد، در سر خندق استعمارگران؛ کسانی‌که جنگ صلیبی را علیه امت اسلامی راه‌اندازی نموده اند، ایستاد است، ثمرات و دارای سرزمین حجاز را در سینه‌ای تقدیم استعمارگران نمود، پایگاه‌های نظامی آنان را بر گرده امت این سرزمین بنا نهاد، تا این‌که مناطق و شهرهای مسلمانان را بمباردمان و به ویرانی بکشانند. پس از دسیسه‌افگنی و جنگ استخباراتی خویش علیه انقلاب امت در شام و دیگر سرزمین‌های اسلامی، همکاری و حمایت از سیسی و هم‌قطاران ستمکار آن در هر جا و مکانی، برای اجرای نقشه استعمارگران در سرزمین‌های مان، برای دلیل ساختن و تقسیم امت در آینده، علیه مردم یمن جنگ راه انداخت. اینک در جنگی‌که علیه امت را اندازی نموده است، بر هر جهت می‌تازد، از جمله علیه فرهنگ و ثقافت، معتقدات و نصوص شرعی امت، در این جنگ در تلاش است تا هرگونه عنصر قوت امت را از میان بردارد.

آری، زمان آن رسیده که امت اسلامی، اهل قوت و قدرت در آن، این نظام‌هایی را که برای خوش‌خدمتی به استعمارگران و یهود، علیه دین الله سبحانه و تعالی، علیه نصوص شرعی و کتاب الله سبحانه و تعالی، جنگ راه انداخته اند، از بنیاد برکنند و زمان آن رسیده که تمام مخلصین امت این تخت‌های فرسوده مزدوران غرب را منهدم ساخته و خلافت راشده را بر منهج نبوة اقامه نمایند، تا این‌که از دین و نصوص شرعی پاسداری نموده، فلسطین را آزاد و اسلام، این رسالت الهی و پیام نور و رحمتی برای تمام بشریت را بدوش کشیده و به دیگران برسانند.

نویسنده: استاد حامد عبدالعزيز

برگرفته از شماره 355 مجله الرایه

مترجم: علی مطمئن